

۱۴۵۵/۱۹۵۵

پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران

مؤلفان:

محمّد اکبری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

دکتر فاطمه قناد

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی

دانشگاه علم و فرهنگ



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	اکبری، مسعود
عنوان و نام پدیدآور	پاسخ دولت به انحراف در سیاست جنایی ایران / نگارش مسعود اکبری، فاطمه قناد
مشخصات نشر	تهران: مجد، ۱۳۹۵
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۷۲۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	جرم‌شناسی -- ایران -- سیاست دولت
موضوع	انحراف اجتماعی -- ایران -- سیاست دولت
موضوع	انحراف اجتماعی -- ایران -- پیشگیری
شناسه افزوده	قناد، فاطمه
ردی کنگره	۱۳۹۵ پ ۷۳۲/ف/۳۸۰۰ KMH
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵
شابک کتابت ملی	۴۴۴۵۸۵۹

هرگونه تکثیر غیرمجاز، نقض حقوق مؤلف است. از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است. موارد خلاف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران

مرافقان: مسعود اکبری، دکتر فاطمه قناد

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۵ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است.

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ طبقه پنجم

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۴۰۳۳۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۷۲۵-۵

ISBN: 978-600-193-725-5

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۰۰۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شنغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید میرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۵.....	بخش اول: مفهوم شناسی سیاست جنایی و انحراف
۱۵.....	فصل اول: سیاست جنایی به معنای چاره اندیشی برای معضل جرم
۱۶.....	مبحث اول: شناسایی مفهوم سیاست جنایی و سیر تحولات آن
۱۶.....	گفتار اول: تعریف سیاست جنایی
۱۶.....	مفهوم سیاست جنایی
۱۹.....	۲. ادین خاک بر سیاست جنایی
	۳. رابرتا مفرم سیاست حکومتی در تحلیل گفتمان سیاست جنایی
۲۶.....	گفتار دوم: روندها و تحولات سیاست جنایی در بستر زمان
۲۸.....	۱. سیاست جنایی در معنای مضیق
۲۸.....	۲. سیاست جنایی در معنای جامعه
۳۴.....	گفتار اول: نامتغیرها در سیاست جنایی
۴۲.....	۱. جرم
۴۴.....	۲. انحراف
۴۷.....	۳. پاسخ دولتی
۴۹.....	۴. پاسخ جامعه‌وی
	گفتار دوم: روابط میان نامتغیرها در سیاست جنایی و تحلیل
۵۲.....	مدل‌های دولتی
۵۳.....	۱. مدل دولت - جامعه لیبرال
۵۶.....	۲. مدل دولت - جامعه اقتدارگرا
۵۹.....	۳. مدل دولت - جامعه اقتدارگرای فراگیر
۶۳.....	فصل دوم: تبیین مفهوم و جایگاه انحراف در جرم شناسی و سیاست جنایی
۶۴.....	مبحث اول: تبیین ماهیت انحراف و جایگاه آن در جرم شناسی
۶۴.....	گفتار اول: معیارهای شناسایی انحراف

۶ پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران

۱. تبیین مفهوم انحراف بر مبنای معیارهای سیاسی ۶۴
۲. تبیین مفهوم انحراف بر مبنای معیارهای اجتماعی ۶۷
۳. تعیین مفهوم انحراف بر مبنای معیارهای مذهبی ۷۰
- گفتار دوم: جایگاه انحراف در میان مفاهیم جرم شناختی ۷۴
- مبحث دوم: جایگاه انحراف در گفتمان سیاست جنایی ۸۱
- گفتار اول: ارزش گذاری‌های سیاست جنایی در پاسخ دهی به

- انحراف ۸۱
۱. تبیین مفهوم بنیادین ارزش‌های اجتماعی ۸۲
۲. تبیین مفهوم نظریه عمومی سیاست گذاری جنایی ۸۴
۳. نظام مصلحت گرایی و احترام به آرامش شهروندان ۸۶
۴. انحراف: جرم انگاری تا جرم زدایی ۸۸
- گفتار دوم: پاسخ دهی به انحراف در سیاست جنایی ۹۰
۱. پاسخ دهی جاری تناسب با جایگاه انحراف ۹۱
۲. پاسخ دولتی به انحراف ۹۵

بخش دوم: علت شناسی جرم انگاری انحراف و آثار آن در سیاست

- جنایی ۹۹
- فصل اول: علل گزینش پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ۱۰۱
- مبحث اول: انحراف و رویکردهای سیاست جنایی ۱۰۱
- گفتار اول: حفظ ارزش‌های بنیادین مورد شناسایی نظام حکمرانی ۱۰۱
۱. تعیین ارزش‌های سیاسی ۱۰۲
۲. تبیین ارزش‌های مذهبی ۱۰۷
- گفتار دوم: تشکیل سیاست جنایی بر محور تام گرایی ۱۱۴
- مبحث دوم: دلایل جرم شناختی پاسخ دولتی به انحراف ۱۱۸
- گفتار اول: سیاست جرم انگاری مانع بر مبنای تبیین مفهوم حالت
- خطرناک ۱۱۸
۱. مفهوم شناسی حالت خطرناک ۱۲۰
۲. رابطه مفاهیم حالت خطرناک و انحراف از منظر ادغام
- ویژگی‌ها ۱۲۲

۱۲۳	۳. تبیین مفهوم جرم انگاری مانع
۱۲۷	گفتار دوم: تمایلات امنیت گرایانه سیاست جنایی
۱۲۸	۱. مفهوم شناسی امنیت در مناسبات و روابط انسانی
	۲. تغییرات زاویه دید سیاست جنایی: از مجرم محوری تا تکیه بر
۱۳۱	عمل مجرمانه
	۳. توسعه دامنه ضمانت اجراها بر پایه اهداف تضمین حداکثری
۱۳۴	امنیت
۱۳۶	۴. حذف پاسخ‌های جامعه‌ی و ظهور واکنش دولتی
۱۳۸	فصل دوم: ۱۴۱ پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی
	مبحث اول: ۱۴۱ اصل و اولیه ناشی از پاسخ دولتی به انحراف در
۱۴۰	سیاست جنایی
	گفتار اول: اقتد گرایان سیاست جنایی و سرسختی نظام عدالت
۱۴۰	کیفری
۱۴۰	۱. کاهش آزادی‌های انسانی و تضییع حقوق و کرامت بشری
۱۴۲	۲. توسعه مداخله دولتی و گذر از سیاست پیشروی
	۳. حذف تدریجی و به وسیله انجمن جامعه مدنی به عنوان یک
۱۴۴	مرجع پاسخ دهی
۱۴۶	۴. تفوق دولتی و تحمیل فشارهای پاسخ
۱۴۷	گفتار دوم: سرگردانی سیاست جنایی
	۱. تعارض کلی پاسخ دولتی به انحراف با مدل انتخاب سیاست
۱۴۷	جنایی
۱۵۰	۲. فرایند برجسب زنی به افراد و تولید مجرمان جدید
	۳. معضل تکرار جرم با عدم پذیرش انحراف به عنوان ارزش
۱۵۲	مورد حمایت حقوق کیفری
۱۵۴	۴. ناکارآمدی کیفرها و عملکرد در بازدهی مطلوب
۱۵۶	مبحث دوم: آثار فرعی و ثانویه پاسخ دولتی به انحراف
	گفتار اول: کاهش مشارکت مردمی و تضعیف مداخله جامعه
۱۵۶	در امر کنترل جرم
۱۶۱	گفتار دوم: تورم کیفری و افزایش قوانین متروک

۸ پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران

۱. زدوده شدن قبح انحراف و شکست جرم انگاری‌ها ۱۶۲
۲. گسترش حجم قوانین کیفری و ویتروینی شدن کیفر گذاری‌ها ۱۶۴
۳. تبدیل آرامش روانی شهروندان به احساس ناامنی از تشکیلات قضایی ۱۶۶

نتیجه گیری و پیشنهاد ۱۶۹

پیام ۱۷۷

مقدمه

نظام منسجم اجتماعی و در کنار هم قرار گرفتن افراد انسانی تشکیل دهنده آن، همواره در معرض جایی و دائمی با امنیت و برقراری آرامش و آسایش میان شهروندان ندارد. آنچه که در این راستا می‌تواند اهمیت این قضیه را دو چندان کند لزوم وجود یک نظم و سویه از جانب افراد است که پایه حقوق و تکالیف آن‌ها را در راستای تقویت و انجام انتظارات اجتماع در رعایت قواعد و مقررات مشترک جمعی است تشکیل دهنده هرگاه نظم عمومی جامعه در نتیجه آن عدم رعایت و عدم توجه به کالیف‌های در مقابل دیگران به هم بخورد و آن آرامش و آسایش که برای افراد جامعه بانی است سلب گردد، می‌توان گفت که یک قدرت مافوق افراد انسانی لازم است که اکتار عمل را بر عهده گرفته و با مقابله با ناقضین نظم اجتماعی به بازگرداندن آن امنیت و آسایش عمومی همت گمارد. بنابراین پدیده جرم همواره ناشی از عدم رعایت تکالیف یک شهروند در عرصه اجتماع است و این موضوع ارتباط مستقیمی با شناسایی حقوق دیگران خواهد داشت که از جانب ناقضین نظم اجتماعی مورد تعرض قرار گرفته است. ارتکاب جرم و پدیده بزهکاری به عنوان بنیادی ترین مرحله به هم زدن نظم عمومی و از هم گسیختن جامعه منظم و متبادل انسانی، نتیجه‌ای است که در سراسر حقوق کیفری خودنمایی می‌کند. هرگاه نظم عمومی جامعه به هم ریخت، آن متولی مقتدر لازم است که با ورود به عرصه مقابله با جرم، قدرت تفکر و مقابله گری خود را به پا دارد و از قیل آن به چاره جویی برای معضل ارتکاب جرم بپردازد و با طرح ریزی و اعمال برنامه‌های متفاوت و مختلف به یک راهکار جدی و موثر دست یازد. واژه سیاست جنایی همانطور که

از نام آن پیداست به دنبال چاره جویی برای مقابله با آن ناقضین نظم عمومی است که هر ازگاهی تعادل جامعه را بر هم زده و با ارتکاب اعمال خلاف قانون، آسایش عمومی را خدشه دار نموده است. لذا برای مقابله با موج بزهکاری و پدیده ارتکاب جرم، لازم است که بر اساس یک نقشه منظم و یک طرح پیشرفته که همه جوانب امر را رعایت کند و با به کارگیری بهترین و موثرترین ابزارهای مقابله و پاسخ دهی به بزهکاران به وادی عمل گام نهد. لذا سیاست بنابر یک تفکر ویژه و یک عملکرد فنی و هوشمندانه است که با استفاده از تمامی توان و ظرفیت خود، به به کارگیری اهرم‌های فشار مناسب و اهداف و دورنماهای خود، فیل پیشگیری از جرم، مقابله با جرائم و جلوگیری از تکرار بزه و پایدار در آن، اندیشید.

سیاست جنایی برای آنکه بتواند به اهداف خود نائل آید و اینکه تمامی برنامه‌های خود را به کار می‌نشانده و از آن‌ها به نحو احسن استفاده کند، لازم است که یک سری اصول و به ازای نظری را برای خود تعریف کرده و به موازات حرکت آن‌ها، به روند پیشگامی خود ادامه دهد. در این قرائت اقتراقی از سیاست جنایی که می‌توان آن را مطالبت سیاست جنایی نامید، صحبت از آن خواهد شد که در برابر عملکرد کوشش سیاست جنایی نتایج مثبت و موثری واقع شود که جوابگوی همت و تلاش سیاست جنایی، در راستای مقابله با پدیده بزهکاری باشد. با این تفسیر می‌توان گفت که سیاست جنایی مطلوب به آن طرح ریزی و عملکرد هوشمندانه جنایی گفته می‌شود که در عرصه پاسخ دهی به پدیده مجرمانه آنچنان برنامه‌ها و طرح‌های خود را در لوح عملکرد آن تنظیم کند که بدون انحراف از مواضع اصلی و به دور از حاشیه‌های ریزران کننده به یک نتیجه مثبت برسد، که همانا کنترل جرم و تضعیف آن در یک نگاه واقع بینانه و ریشه کنی جرم در یک نگاه خوش بینانه باشد. لذا هرگاه سوال شود که سیاست جنایی به دنبال چیست و در پاسخ گفته می‌شود که به دنبال آن است تا جرم را کنترل کرده و از میزان آن به شدت بکاهد و با تنبیه و اصلاح و بازسازی مجرمین، ادامه روند حرکتی آنها در دنیای بزهکاری پایان دهد، این

اهداف باید چنان در یک طرح ریزی و نقشه عملی برخواسته از تئوری‌های منسجم و هوشمندانه به کار گرفته شود که آن تخمین سیاست جنایی برای رسیدن به اهداف خود به بهترین وجه حاصل گردد. سیاست جنایی باید به میزان عملکرد خود و تمامی هزینه‌هایی که در این راه مصروف می‌دارد از اعمال خود نتیجه کسب کند و برون داد و خروجی و حاصل کار خود را آنچنان مبره، ببیند، که در یک ارزیابی کلی بتوان عملکرد آن را بسیار مثبت قلمداد کرد.

ظلولیت سیاست جنایی به دنبال به کارگیری مثبت و چاره اندیشانه ابزارهای آن و کسب نتایج لازم از آن عملکرد حاصل می‌گردد. حال اگر پیرو آن اعمال سیاست جنایی برای مقابله با پدیده مجرمانه به کار می‌بندد، نتیجه ای عکس رفتن دارد. سیاست جنایی به جای آنکه با معضل ارتکاب جرم و بزهکاری به سبب بازخورد و با کنترل جرم، آن را در یک جایگاه محدود سازد، خود با طرح ریزی‌های اشتباه، ناکارآمد علاوه بر اینکه به حل مشکلات بزهکاری مددی نرساند باعث افزایش مضامین جددی و گرفتاری‌های فراوان در امر پاسخ دهی گردد، که بسی مهم تر و بزرگتر از ارتکاب بزهکاری هستند، می‌توان گفت که سیاست جنایی به مرزهای بحران رسیده است که هرچه در تلاش دارد به کار گیرد و در نهایت از عملکرد خود حاصلی به دست ندهد. بحران در سیاست جنایی به معنای انسداد و بسته شدن عملکرد سیاست جنایی در به کارگیری اهرم‌ها و ابزارهای کنترل و پاسخ دهی، پدیده مجرمانه است و می‌توان چنین گفت که هزینه‌های گزاف و سرسام آور سیاست جنایی، برای اجرای سازی برنامه‌های خود نتیجه ای بسیار ناچیز و کم توجه به دست داده است. عدم کنترل بزهکاری، رشد نرخ ارتکاب جرم، افزایش آمارهای بزهکاری، ترس از جرم و بزه دیده واقع شدن، تکرار جرم و افزایش مجرمین سابقه دار، عدم اصلاح بزهکاران و عدم بازگشت و بازاجتماعی سازی آن‌ها، عدم توجه افراد جامعه به وضع قوانین کیفری و مقولات ممنوع شده در آنها، ویتربینی شدن قوانین و متروک ماندن آن‌ها در نتیجه بی توجهی جامعه به

کیفرگذاری‌ها، افزایش جمعیت کیفری زندان و معضل جرائم وابسته به آن و... می‌تواند از نشانه‌های بحران در سیاست جنایی و عدم دست‌یابی به نتیجه مطلوب از عملکرد پاسخ‌دهی است که دقیقاً نقطه مقابل سیاست جنایی مطلوب است.

انحرافات اجتماعی یکی از عرصه‌هایی است که می‌تواند به عنوان محرک سیاست جنایی از باب مطلوبیت یا ورود به بحران مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که انحراف به عنوان یکی از نامتغیرهای اصلی سیاست جنایی، همواره پاسخ منظم و منسجمی را از ناحیه مراجع مستقل پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه می‌طلبد، می‌توان موضوعی باشد که وضعیت سیاست جنایی را مشخص کند. انحراف از حالت تعادل و جداسدن از هنجارهای اجتماعی است که حد وسط انتظارات جامعه حکمت از انحراف هم‌نوايي با آن را دارد. لذا انحراف به معنی عدم توجه به هنجارهای یک جامعه که به مثابه قواعد مشخص زندگی جمعی هستند می‌باشد که هرگاه فاصله‌گیری نسبت به آن‌ها از جانب افراد انسانی صورت گیرد اهرم‌ها و ابزارهای خاص اجتماعی به جریان افتاده تا از طریق فشار بر فرد منحرف و تقبیح و سرزنش وی، او را از راه کج بازداشته و با هم‌نوا ساختن وی با هنجارهای اجتماعی از انحراف او جلوگیری کنند. این هنجارها بر مبنای حمایت و حفاظت از یک سری ارزش‌های بنیادین تشکیل شده‌اند و به قواعد حفاظتی آن ارزش‌ها بدل می‌گردد. ارزش‌های مبنایی همچون مذهب، اخلاق، وجدان، شرافت، شرم و غیره... ناایند حمایت و حفاظت هستند که این حمایت‌ها به وسیله تشکیل هنجارهای اجتماعی صورت می‌پذیرد. لذا فرد منحرف با شکستن هنجارها، در اصل به مقابله با ارزش‌های بنیادین بشری و انسانی به مقابله برخاسته است و طبیعی است که در راستای حفظ تعادل جامعه و لزوم تبعیت از حد متوسط انتظارات جمعی، خود جامعه به مقابله با پدیده انحراف بپردازد. در این راستا سیاست جنایی مطلوب برای بدست آوردن نتایج مثبت و ارزشمند از پاسخ‌دهی‌های خود، لازم است که مقابله با پدیده انحراف را به جامعه مدنی و ابزارهای خاص آن به عنوان کنترل اجتماعی

غیررسمی که از طریق فشار افکار عمومی و تقبیح و سرزنش اجتماعی عملی می‌گردند، واگذار نماید. چون هنجار اجتماعی در بطن جامعه اتفاق تشکیل می‌گردد و انحراف از آن نیز در همان بستر صورت می‌پذیرد، لذا تشخیص منحرف محصول این تناقض است و جامعه مدنی خود به درستی خواهد دانست که چطور به مقابله با آن برخیزد. در یک وضعیت متناقض که حاکی از به کارگیری معکوس مراجع پاسخ دهی در سیاست جنایی است، ممکن است متدین عملیاتی سازی برنامه‌های سیاست جنایی، با به حاشیه راندن جامعه مدنی، مقابله و مبارزه با پدیده انحراف را به دولت و ابزارهای سرکوبگر آن که از نوع مجازات‌ها هستند واگذار نماید، در این وضعیت که مراجع پاسخ دهی به صورت رایج و برعکس به کار گرفته شده اند، مطلوبیت سیاست جنایی را به شدت زیر سوال ببرد و کسب نتایج مثبت از عملکرد آن را به صراحت منتفی ساخته است. چرا که مجازات کردن شخص منحرف و پاسخ دولتی به اعمال عدم همنوایی با هنجارهای اجتماعی منجر به اقتدارگرایی سیاست جنایی خواهد داشت که دولت و هیأت جامعه، که از طریق بازوی اجرایی تاسیسات نظام عدالت کیفری وارد عمل شوند، تمامی زوایای رفتارهای منحرفانه را در تسلط خود قرار می‌دهند و از تنبیه و سزادهی بیچ رفتاری سرباز نخواهند زد. این موضوع منجر به توسعه مداخله حقوق کیفری و گسترش سیاست پیشروانه آن و همچنین تفوق و برتری پلیسی دولتی خواهد شد. همه این‌ها می‌تواند به سرگردانی سیاست جنایی از حیث عدم کسب نتایج مثبت از عملکرد خود، ناشی از تعارض کلی پاسخ دهی‌ها و نیز فرایند برچسب زنی به افراد و تولید مجرمان جدید و همچنین معضل تکرار جرم در نتیجه عدم پذیرش انحراف به عنوان ارزش مورد حمایت کیفری، منجر گردد. لذا از آنجا که جامعه مدنی خود در تشخیص ارزش‌ها و تعیین هنجارهای اجتماعی به صورت مستقل عمل خواهد کرد و هرگاه رفتار انحرافی از هنجارهای اجتماعی را مشاهده نمود خود به صراحت به مقابله با آن بر می‌خیزد، می‌توان گفت در راستای جرم انگاری صحیح و نظام کیفرگذاری‌ها نباید دیدگاه جامعه در تشخیص لزوم حمایت

کیفری از یک نقض هنجار را نادیده انگاشت. با این توضیح که جامعه میان هنجارهایی که صرفاً مداخله جامعه‌ی را می‌طلبد و نقض هنجارهایی که حمایت کیفری را لازم باشد قابل به تفاوت و تمیز خواهد بود و هرگاه سیاستگذار جنایی بدون توجه به این موضوع، عملکردی را که از دید جامعه صرفاً یک انحراف اجتماعی است جرم انگاری کند، قطعاً با اجرای این برنامه در جامعه اجتماع با مشکل و معضل جدی و حتی بحران مواجه خواهد شد. چرا که باو، یعنی نسبت به پذیرش آن موضوع جرم انگاری شده به افول می‌گراید و جامعه حاضر نیست از آن موضوع جرم انگاری شده حمایت کند و طبیعی است که با عدم حمایت از قانون کیفری در جامعه، میزان ارتکاب آن جرم بیشتر خواهد شد. هم‌اکنون از مداخله در آن جرم خود را مجرم نخواهد دانست. بنابراین سیاست‌گذاری مطالب برای دست یازیدن به نتایج مثبت و داشتن یک عملکرد دقیق و موثر، نه‌الّا در جرم انگاری‌ها و ثانیاً در تشخیص قراردادن مراجع پاسخ‌دهی در برابر پدیده جرم و انحراف، باید به نحو دقیقی وارد عرصه شود که هیچگاه به مرزهای بحران رسد. لذا پاسخ دولتی به انحراف عملکردی وارونه است که علاوه بر آنکه نتایج مثبت از آن حاصل نمی‌گردد معضلات سیاست جنایی را نیز دوچندان خواهد ساخت که آثار آن در درازمدت به صورت عدم کنترل جرم، افزایش بزهکاری و مترتبات ماسخ قانون کیفری و همچنین شکست قبیح عمل در پیشگاه افراد جامعه، ظاهر خواهد شد.

در پایان لازم است از زحمات ارزشمند جناب آقای سرسید عباس حسینی نیک مدیریت محترم انتشارات مجد به خاطر تایید و موافقت با چاپ این نوشتار تشکر و قدر دانی لازم را به عمل آوریم.